

□ تحلیلی بر اغتشاشات بنزینی آبان ۹۸ پاسخ به سوالات... چرایی شتابزدگی دولت روحانی؟! کدام توطئه؟ ...

□ تحلیلی بر اغتشاشات بنزینی آبان ۹۸

پاسخ به سوالات...
چرایی شتابزدگی دولت روحانی؟!
کدام توطئه؟

...

[اصل مقاله](#)

بایدن زیبای خفته ایران نیست

□□ #بایدن زیبای خفته ایران نیست

✍️ #پرستو_مروجی

#سیاست خارجی #ایالات_متحده_امریکا نسبت به #جمهوری_اسلامی_ایران ؛
کاملاً تهاجمی است. دو حزب قالب دموکرات و جمهوری خواه در سیاست های
اصولی شأن در قبال #ایران وحدت نظر دارند.
این اصول بر مهار و ایجاد موانع جهت جلوگیری از اهداف و آرمان
های #انقلاب متمرکز است.

تنها تفاوت آنها شیوه اجرائی آنهاست. هر دو حزب در اجرایی کردن
سیاست فشار حداکثری کم نگذاشتند و همچنان در سلسه مراتب تصمیم
گیری هایشان ، این اصل را بعنوان دستاوردی مهم مطرح میکنند.
هدف نهایی سیاست فشار حداکثری ، تغییر نظام و در نهایت یک کشتار
عظیم انسانی است.

ترامپ و بایدن تنها نمایندگان رسمی ، اجرا کردن این سیاست ها

می‌باشند.

مع الاسف دولتمردان ایران با ارائه طنزی تلخ و شومَن گونه تلاش می‌کنند اذهان عمومی مردم را به سمت #برجامی نافرجام و ریکآوری #اصلاحات با پایین آوردن سوری #دلار و #طلا _ علی رغم آنکه در بازار یک دلار هم خرید و فروش نمیشود..._ سوق می‌دهند.
لطفا به شعور ملت توهین نکنید.

□ انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده امریکا؛ بایدن! یا ترامپ! کدام پیروز است؟!

□ انتخابات 2020 ایالات متحده امریکا؛ بایدن! یا ترامپ! کدام
پیروز است؟!

□ تحلیل کوتاه از #پرستو_مروجی
ویدیو لایو ذخیره شده از اینستاگرام

[http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/
2020/11/VID-20201102-WA0001.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/11/VID-20201102-WA0001.mp4)

تحلیل و بررسی مرگ دردآور کودک اهوازی

[http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/10/VID-2020102
0-WA00000.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/10/VID-20201020-WA00000.mp4)

تیتَر بی تیتَر

□ تیتَر بی تیتَر

✍ بَقلَم : #پرستو_مروجی

□□□□□□□□□□

بدون مقدمه خدمتون عرض کنم که:

□ وقتی سخنان رهبری بصورت گزینشی، کات و عرضه میشود و اکتفای تحلیل ها بر همان مبنا قرار میگیرد باید منتظر بازی رسانه ها بود...

که چه عرض کنم بچه های خودی کم نگذاشتند و بجای گل زدن حسابی گل خوردند...

وقتی بنده در کلاس ها و شبکه های اجتماعی آموزش میدهم برای تحلیل درست؛ به اصلِ بیانات، رویدادها و صحبت ها مراجعه کنید برای چنین مواردی است...

□ تأکید میکنم « تیتَر همیشه فریبنده و گول زننده است... » .

سایت و کانال رسمی رهبر انقلاب، با زدنِ تیتَر چند پهلوی، کلِ بیانات ایشان را در معرض تحریف قرار دادند که بجاست با ایمیل های متعدد در سایت مربوطه خواستار اصلاحِ درست تیتَر مزبور شویم.

مهمترین نکته و سوال بنده اینجاست که؛ در کدام بند از بیانات رهبر انقلاب ایشان فرمودند: « اهانت و ظلمی در حق آیت الله لاریجانی روی داده است... »

دقت داشته باشید سیرِ رفتاری و عملکرد رهبری را هرگز فراموش نکنید.

از نظر بنده ایشان طی سالها مسوولیت سنگین و خطیرشان هرگز گلایه نکردند بلکه محکم و بدون تعارف مطالب را عرضه کردند .

« تیتَر غیر حرفه ای و کم اندیشانه » خطِ فکری رهبری را نه تنها زیر سوال بردند بلکه تحریف هم صورت پذیرفت.

رهبری هرگاه عملکرد صحیح را مشاهده کردند بدون ملاحظه تعریف و هرگاه غیر آن بوده ، برخورد لسانی هم داشته اند.

از انصاف به دور است که عملکردشان با یک تیتَر بی مفهوم، هالیات شود علی رغم آنکه طرفِ صحبت های ایشان؛ « مردم و جوانان مومن » بودند .. که مراقب باشیم.

مع الاسف ملاحظه شد که جوانان چقدر مراقب بودند!
ان شالله که از قافله عقب نمانیم...

خانم کوثری، میشه بسه؟

خانم کوثری، میشه بسه؟

باران کوثری، در گفتگو با فریدون جیرانی درباره شرایط این روزهای ایران گفت:

نسل ما یک سرخوردگی گنجی دارد، ما بارها امیدوار شدیم فقط به این دلیل که باور نکنیم خودمان قهرمان هستیم و به یکسری قهرمان پوشالی تو خالی دل بستیم. برای این که بپذیریم راه نجات این است، همه گول خوردیم و همه برای یک چیز جنگیدیم و بعد یکهو دیدیم که همان جای اول هستیم و حتی جای عقبتری هستیم، به بازی گرفته شدیم بله گفتمان ما خشم است، بله ما خشم داریم و نسل خشمگینی هستیم. ما انگار قهرمان فاعل نمی‌شناسیم، جامعه ما را به انفعال دعوت می‌کند. جامعه‌ای که شما را به انفعال و ابتر بودن دعوت می‌کند یعنی همه چیز شما را به سمتی می‌برد که منفعل شوید مبتذل شوید و ابتر شوید.

خانم کوثری - شما از چه چیز صحبت می‌کنید؟ ایران و مسائل ایران چه ربطی به شما دارد؟

وطن شما و دردهای وطن شما از جنس دیگری است! از روزی که پاسپورت و تابعیت آمریکا گرفتید بالغانه و آگاهانه دخالت و اظهارنظر درباره ایران را از خود سلب صلاحیت کرده‌اید!

مستدعی است یکبار دیگر متن تحلیف زیر را که در دادگاه فدرال آمریکا برای آمریکائی شدن قرائت کردید با صدای بلند و در مقابل دوربین گویشتان بخوانید و ضبط شده‌اش را برای دیگران منتشر کنید:

بدینوسیله سوگند می‌خورم کلاً و تمامی وفاداری خود به هر پادشاه یا دولتمرد و دولت و حکومت و مملکتی که تاکنون شهروند آن بوده‌ام را طرد و در برابر کلیه دشمنان داخلی و خارجی به دفاع و حمایت از قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا پرداخته و به آن ایمان و وفاداری واقعی بورزم و هنگامی که قانوناً لازم باشد برای دفاع از ایالات متحده تفنگ بدست خواهم گرفت. من این تعهد را آزادانه و بدون هیچگونه تحفظ و یا نیت طفره روی می‌پذیرم. خداوند آ به من کمک

کن!

خانم کوثری - من بدون اخذ تابعیت آمریکائی سالها است در کشور شما (آمریکا) زندگی می‌کنم و همچنانکه سالها است شما در کشور من (ایران) ساکن‌اید!

اما تفاوت بنده با جنابعالی آنست که من در کشور شما (آمریکا) پاسداشتی می‌کنم سرحدات سیاسی و فرهنگی و عقیدتی کشورم را در مقابل عداوت کشور شما علیه ایرانم و شما در کشور من (ایران) ساپورتر و سمپات عداوتها و جنایتها و خصومت‌های کشور متبوعه‌تان (آمریکا) علیه کشور من‌اید!

خانم کوثری - میشه بسه!؟

میشه شما و امثال شما از این واریته اشک تمساح انصراف دهید و دست از سر کشور من و هموطنان من بردارید.

ایران من مانند آمریکای شما غرق تنعم نیست اما اگر شما یان بگذارید مردم من خودشان می‌توانند مشکلاتشان را مرتفع نمایند. مستدعی است خودتان و دولتمردان‌تان، ایران ما ایرانیان را به حال خود بگذارید.

خسته شدیم از این همه انانیت و فرعونیت و پُر روئیت(!)

#داریوش_سجادی

#باران_کوثری

شصت ساله تینا یجرها !

شصت ساله تینا یجرها !

مصطفی تاجزاده از زمان زندانی شدنش در ماجراهای ۸۸ بصورتی قابل فهم دچار یک هیجان‌زدگی نوشتاری و شتاب‌زدگی نامتعارف سیاسی شده تا با ابراز و اثبات تنزه‌طلبی و براءت‌جوئی نادمانه از گذشته سیاسی‌اش بتواند نزد شیداوشی جوانان زاویه‌دار با نظام و انقلاب راه‌جوئی و کسب اقبالی قهرمانانه نماید.

ایشان بر همین منوال بدنبال تمنای مذاکره با ایران از جانب ترامپ ابراز داشته :

ترامپ به‌علت عملکردش در کرونا و قتل فلوید ، به دستاورد ملموسی برای پیروزی در انتخابات نیاز دارد. حال که شرایط مذاکره از موضع برابر ممکن شده، چرا رهبر با سیاست نرمش قهرمانه تهران را به سوی

کاستن از سطح مناقشات با واشنگتن با هدف کاهش/لغو تحریم‌ها هدایت نمی‌کند؟

چنین مطالبه‌ای شاید از جانب تین‌ایجرها و نوباوگان سیاسی قابل درک باشد اما قطعاً نمی‌توان از مجربین و معمرین دنیای سیاست (علیرغم کدورت) چنین شاذیاتی را توقع کرد.

کاش جناب تاجزاده لااقل پاسداشت کاریر سیاسی خود در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و چنین ارزان فروشانه چوب حراج بر کنیه سیاسی خود نمی‌زد!

جناب تاجزاده صرف‌نظر از محق بودن شما در انباشت غیظ بابت «تعزیر قزلباشانه‌تان» از ۸۸ تا ۹۵ لکن «سیاست» برای دهان کجی به اصول بهای حفظ رکورد قهرمانی نزد مقهوران، عرصه مناسبی نیست.

فرای کدورت «هشتاد و هشتی‌تان» تاریخ را که نمی‌توان نادیده انگاشت. بر اساس کدام مصلحتی شایسته می‌دانید اکنون ایران به کمک ترامپ برود و آن ماموت را جهت پیروزی در انتخابات آمریکا یاری رساند؟!

تضمینی دارید تا ترامپ در فردای چنان پیروزی مجددی لگام گسیختگی نکرده و مانند پاره کردن برجام آنک فرجامی دیگر را بدهنچار نکند؟!

کاش صرف‌نظر از کینه‌های >نّینی، لااقل تاریخ اسلام را سرمشق حریت و عقلانیت‌تان می‌کردید!

ترامپ از لحظه دستور ترور سردار سلیمانی و از فردای بشکن‌های شادمانه‌اش بابت شهادت آن «شیر زهله شیعه» به کفایت نزد ایرانیان «وحشی» جنایتکاری را می‌ماند که حمزه سیدالشهدا را ناجوانمردانه به شهادت رساند.

کاش بجای تجویز تکیه محبت از ترامپ، تاسی به رسول‌الله می‌کردید که وحشی هر چند ریاورزانه ایمان آورد لکن تا آخر عمر بابت آن جنایت از جانب پیغمبر بخشوده نشد. هر چند آن «زن‌باره زردموی» ایمان نیز نیآورده و بر فسق خود تخری دارد!

#داریوش_سجادی

#مصطفی_تاجزاده

#ترامپ

از جورج تا جوکر!

□ ...

از جورج تا جوکر!

جنبش اعتراضی بابت قتل «جورج فلوید» توسط افسر پلیس مینیاپولیس با سرعتی محسوس در حال گذار به «آشوبی جوکری» است! آرتور فلک در فیلم جوکر طبقه محروم و سرخورده‌ای را نمایندگی می‌کرد که در زیر مناسبات ناصواب سیستم سرمایه‌داری آمریکا روان‌نژندانه کلیت آن ساختار را با خشن‌ترین شکل ممکن به چالش کشید و تمام قد در مقابل آن ساختار شورید و شهر را شوراند. آشوب ناشی از قتل جورج فلوید در کنار واکنش‌های ناسنجیده ساختار قدرت در آمریکا بصورتی قهری و تبعی در حال خشن‌شدن و مخرب‌شدن و عصیانگری علیه طبقات مرفه و ساختار پول‌سالار آمریکا است. طنز ماجرا آنجاست که سال گذشته ترامپ در حاشیه اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل با اشاره به افزایش دادن تحریم‌های اقتصادی علیه ایران گفت:

«مشکلات در ایران شدت گرفته است. تورم در آنجا بالا است. بزودی در خیابان‌ها شورش اتفاق می‌افتد. مردم نمی‌توانند نان بخرند! پولشان بی‌ارزش شده. آنها مجبورند مذاکره کنند» و اکنون این شهرهای آمریکا است که شاهد شورش مردم و ۴۰ میلیون بیکار و حمله و تخریب و غارت مراکز خرید شهر توسط «جوکرهای عاصی شده» از وضعیت افتضاح اقتصادی و فضای ناسالم اجتماعی است. ظاهراً اکنون در آشوب آمریکا:

جورج فلوید بهانه است. اصل نظام نشانه است!

#داریوش سجادی

#جوکر

حق نفرت!

پاسخی به وزیر امور خارجه آمریکا
بدنبال راه اندازی [تارنمایی](#) فارسی زبان توسط وزارت خارجه آمریکا
برای مخاطب قرار دادن ایرانیان، کالین پاول وزیر خارجه وقت

آمریکا اقدام به ارائه پیامی در این تارنما خطاب به ایرانیان کرد. این پیام از جوانب مختلفی قابل ارزیابی است. «حق نفرت» عنوان متن فارسی یک ارزیابی مجمل از این پیام است که در غالب پاسخ به ایشان به رشته تحریر درآمده.

داریوش سجادی

پیام وزیر امور خارجه آمریکا به مردم ایران:

به تارنمای جدید فارسی زبان وزارت امور خارجه ایالات متحده خوش آمدید. ما خوشحالیم که فارسی را به سایر تارنماهایی که به زبانهای عربی، چینی، روسی، اسپانیایی، و فرانسوی در این سایت ارائه می شود اضافه کنیم. امیدواریم شما این تارنما را منبع خوبی برای اطلاعات درباره ایالات متحده و درباره سیاست آمریکا در قبال ایران بیابید.

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می گردد.

در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم سراسر جهان باید از آزادی بهره مند باشند. ایالات متحده خواهان ایرانی دموکراتیک، موفق، و جزئی از ترکیب اقتصاد جهانی است. من در انتظار روزی هستم که ایران جایگاه بحق خود را در خانواده ملتها بدست آورد. فرهنگهای ما می توانند نکات بسیاری به یکدیگر عرضه کنند.

تصاویر ایرانیانی که بلا فاصله با روشن کردن شمع بیاد قربانیان حملات تروریستی به ایالات متحده در 11 سپتامبر 2001 مراسم همدردی بجای آوردند عمیقاً ما را تحت تأثیر قرار داد. همانطوریکه پرزیدنت بوش روشن کرده است «دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد. همچنان که مردم ایران به سوی آینده ای پیش می روند که به معنی آزادی بیشتر و استقبال از عقاید مختلف است، آنها دوست بهتری از ایالات متحده آمریکا نخواهند داشت.» امیدوارم به این تارنما به منزله نشانه ای از این دوستی بنگرید.

کالین ل. پاول

جناب آقای کالین پاول

مقام عالی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

پیام جنابعالی خطاب به مردم ایران برخوردار از نکاتی است که پرداختن به وجوهی از آن خالی از بهره نمی باشد.

جنابعالی در بخشی از فرمایشات خود ضمن اقرار بر وجود اختلافاتی میان دولت متبوعتان با دولت حاکم بر ایران اظهار داشته اید:

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می گردد.

صرف نظر از صداقت یا عدم صداقت جنابعالی در ابراز دوستی کشورتان با مردم ایران قطعاً این حق را برای افکار عمومی قائل خواهید بود تا از خاستگاهی دموکراتیک اختلافات مطرح شده جنابعالی و دولت متبوعتان با جمهوری اسلامی ایران را مورد مناقشه قرار دهند.

جناب آقای پاول

طی تمام مدت روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران دولتهای مستقر در کاخ سفید اعم از جمهوریخواه و دمکرات بالاتفاق جمهوری اسلامی ایران را بدلیل مواضع نفی گرایانه اش نسبت به دولت اسرائیل و حمایت ایشان از خیزشهای آزادیخواهانه مسلمانان در فلسطین و دیگر نقاط خاور میانه متهم به حمایت از تروریسم و مساعدت نظامی به این خیزشها کرده و می کنید و جسورانه درصدد تحمیل پیوستن ایران به روند صلح اعراب و اسرائیل و بهبود عادی سازی مناسبات تهران با تل آویو بوده و هستید!

اجازه دهید پاسخگوئی به اتهام حمایت نظامی تهران از جنبشهای ضد اسرائیلی را به دولتمردان جمهوری اسلامی واگذار کرده و قطعاً مطلع هستید که حاکمان ایران صادقانه یا ناصادقانه همواره به انکار این ادعا پرداخته و به صراحت اعلام کرده اند که جنبشهای آزادیخواهانه را مصداقی از تروریسم نمی دانند که در مساعدت رساندن به آنها دچار خجلت و شرمساری باشند و مشکل اصلی خود را با شما در

استانداردهای دو گانه آمریکا در تعریف از تروریسم می دانند.

اما گذشته از مجادلات بین حکومتی شما با دولتمردان ایران آیا این حق را برای افکار بین الملل قائل هستید که باب این پرسش را از جنابعالی و هیئت حاکمه کاخ سفید مفتوح نمایند که جایگاه عشق و نفرت در پارادایم دموکراسی بعنوان منظومه ای توجیهی - رفتاری کجا قرار دارد؟!

جناب آقای پاول

بعد از پنجاه سال اعمال سیاستهای نژاد پرستانه و جنایتهای شرم آور دولت اسرائیل نسبت به مسلمانان که متأسفانه کشور متبوع شما با داعیه ابرقدرتی و مهد آزادیخواهی به حمایت یکجانبه از این سلوک نامتعارف پرداخته است! اینک ضمن قبول ادعای شما مبنی برآنکه «در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم سراسر جهان باید از آزادی بهره مند باشند» آیا بنیانهای دموکراسی و آزادی خواهانه کشور شما حق تحفظ نفرت از اسرائیل را برای مسلمانان که ایران نیز بخشی از آنرا تشکیل می دهد برسمیت می شناسد؟!

جناب آقای پاول

متأسفانه میزان حمایت کور و جانبدارانه جمیع دولت های ایالات متحده آمریکا از دولت اسرائیل به حدی افزایش یافته که عملاً دستگاه سیاستگذاری کاخ سفید را در یک پروسه تاریخی پنجاه ساله مبدل به ابزاری در خدمت مطامع و منویات دولت تل آویو کرده است.

عالیجناب

چنانچه استحضار دارید طی دو دهه گذشته جمعیتی بالغ بر 500 هزار نفر از هموطنان ایرانی اینجانب کشور جنابعالی را جهت سکونت برگزیده اند و بالغ بر هشتاد درصد این جمعیت به نیت برخورداری از حقوق و مزایای یک شهروند آمریکائی و قرار گرفتن در چتر حمایتی دولت معظم و ابرقدرت ایالات متحده آمریکا با خلع تابعیت نسبی ، تابعیت شهروندی آمریکائی را برگزیده اند!

اکنون آیا جنابعالی که در پیام خود اذعان داشته اید « دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» میتوانید این ادعا را داشته باشید که در دفاع از حقوق آن بخش از ایرانیان به

تابعیت کشور شما درآمده قائل به تبعیضی میان ایشان با دیگر شهروندان آمریکائی نیستید؟

اگر ابتدا بتوانید این ادعا را اثبات نمائید آنگاه این اجازه را خواهید داشت که خود را در مقام استیفای حقوق شهروندی ایرانیان در داخل خاک کشورشان قرار دهید.

جناب آقای پاول

سال گذشته یک نفر از همین ایرانیان به تابعیت کشور شما درآمده با اطمینان خاطر از آنکه تابعیت آمریکائیش این ضمانت را به وی داده که در خارج از کشور هر مشکلی برای وی پیش بیاید دولت ایالات متحده به دفاع از وی برخواند خاست در کسوت رقصنده گری! با اخذ ویزای ایران به تهران رفت و در آنجا به اتهام رانندگی و فساد بازداشت و محاکمه شد! اما علی رغم توقع وی و دیگر آمریکائیان ایرانی تبار، دولت متبوع جنابعالی کمترین التفاتی به ایشان به عنوان شهروند آمریکا نکرد! این در حالیست که سه سال پیش که چند شهروند یهودی ایرانی و نه آمریکائی که در یکی از شهرهای ایران به اتهام جاسوسی برای دولت اسرائیل بازداشت و محاکمه شدند دولت ایالات متحده در راستای دفاع از این شهروندان ایرانی! آنچنان شهرآشوبی در سطح جهان به راه انداخت که اعجاب همه خردورزان جهان را به همراه آورد!

جناب آقای پاول!

در نظام بین الملل هر اندازه که یک کشور از قدرت بیشتری برخوردار باشد متقابلاً بر میزان مسئولیتهای بین المللی اش نیز افزوده می شود. حداقل توقع بین المللی از ایالات متحده ای که طلایه دار آزادیخواهی و دموکراسی در نظام بین الملل بوده و هست برخورد مسئولانه و عادلانه با بحران خاور میانه می باشد. توقعی که هیچوقت عملی نشد!

جناب آقای پاول!

رئیس دولت متبوع جنابعالی، آقای جورج بوش بعد از حادثه تاسف بار یازدهم سپتامبر سال 2001 در نیویورک و واشنگتن طی نطق خود در کنگره سوال حاذقانه ای را مطرح کردند مبنی بر این مضمون که:

«امروز مردم آمریکا از ما می پرسند تروریستها چرا از ما متنفرند و نسبت به ما دست به چنین اعمالی می زنند؟»

هر چند طرح این سوال بسیار حاذقانه بود اما متأسفانه پاسخی که رئیس‌جمهور آمریکا در همان سخنرانی به این پرسش داد برخوردار از کمترین بهره هوشی بود! پرسشی که چنانچه با پاسخی منبعث از واقع بینی و دوراندیشی و درایت مواجه می‌شد شاید می‌توانست ترسیم‌کننده افق امیدوارکننده‌ای در روند صلح در خاورمیانه شود.

اما متأسفانه رئیس‌دولت جنابعالی با پاسخ اعجاب‌آور خود افکار عمومی و بخصوص مسلمانان را مواجه با بهت و حیرتی عمیق از کژاندیشی و ناپختگی رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور در جهان پیچیده‌سیاست کرد:

«آنها دشمن آزادی ما هستند»!!!

عالیجناب!

موجب کمال امتنان و مزید تشکر است تا از قول مسلمانان به رئیس‌جمهورمنتخب تان بفهمانید که مسلمانان کمترین چشمداشتی به آزادی مردم آمریکا نداشته و ندارند. آنچه که منجر به آن شده تا ایالات متحده آمریکا که در پایان جنگ جهانی دوم بعنوان محبوب‌ترین کشور و سمبل آزادیخواهی نزد قاطبه ملت‌های جهان و مسلمانان شناخته می‌شد، اینک به این درجه از حسیض نفرت و انزجار نزد مسلمانان برسد که از بطن چنین نفرت کوری رفتارهای تروریستی غیر قابل دفاعی همچون حادثه یازدهم سپتامبر بروز کند، یکجانبه‌گرایی و اعمال سیاست‌های جانبدارانه، ناعادلانه و غیرمتعارف کاخ سفید از اعمال و رفتار جنایتکارانه دولت تل‌آویو بوده است!

جناب آقای پاول

در چنین فضای ناعادلانه و خشونت‌باری که دولت اسرائیل به پشوانه حمایت‌های کاخ سفید برای مسلمانان فراهم کرده آیا این حداقل حق را برای مسلمانان برسمیت نمی‌خواهید بشناسید که ایشان از این دولت جنایتکار و خونریز متنفر باشند؟! یا آنکه بنیانهای دموکراسی حق عشق و نفرت را نیز مصادره بمطلوب می‌کند!

جناب آقای پاول

آیا جمهوری اسلامی ایران این اجازه را دارد تا در عین برسمیت نشناختن دولت اسرائیل از ایشان متنفر باشد یا آنکه مقتضای سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت جنابعالی که بشدت آغشته به نفوذ لابی صهیونیسم است در صدد حُقه عشق ورزیدن تحمیلی به اسرائیل به

دولتمردان و مردم ایران و چه بسا دیگر مسلمانان است؟!

جناب آقای پاول

برای عشق ورزیدن صدها دلیل می تواند موجود باشد، اما برای نفرت ورزیدن تنها یک دلیل هم کفایت می کند!

اکنون پرسش اینجانب بعنوان یک شهروند ایرانی از جنابعالی که سالهاست دولت کشور اینجانب را تحت فشار قرار داده تا ایشان را متقاعد و یا مجبور به عشق ورزیدن به دولت نژاد پرست اسرائیل نمائید آنست که:

در جهان آزاد و دمکراتیک وعده داده شده شما چگونه می توان مالک احساسات خود بود؟

آیا قرار است در این جهان آزاد، خشم و مهر خود را نیز در ذیل تیول مبانی لیبرال دمکراسی آمریکائی قرار داده و مطابق با خواست و منافع ایشان اشگ ریخته و لبخند بزنیم؟!

آیا دنیای دمکراسی قرار است مسلمانان را از یگانه حق باقیمانده شان هم مسلوب الاختیار کند؟

جناب آقای پاول

شما قطعاً این فراز از سخنان تاریخی و ماندگار نلسون ماندلا را بیاد دارید که بعد از سالها تحمل رنج زندان و شکنجه نظام آپارتاید آفریقای جنوبی در فردای پیروزی مبارزاتش گفت:

نمی توانم فراموش کنم اما می بخشم. در عین حال اجازه دهید به استحضارتان برسانم که ما ایرانیان نیز قائل به این آموزه اخلاقی هستیم که « لذتی که در عفو است در انتقام نیست» اما این منافاتی با حق دیگر انسان که نبخشیدن و کین ورزیدن هست، نمی باشد.

امروز چنانچه مسلمانان نمی توانند تضییع حقوق مسلم انسانی خود توسط دولت اسرائیل را که مستظهر به حمایت‌های گسترده دولت شما می باشد، ببخشند و عملاً محروم از لذت عفو بردن از چنین بخشایشی شده اند، نباید بر ایشان خرده گرفت.

جناب آقای پاول

وجود چنین کینه ای را نه بمعنای سیاه دلی و تیره اندیشی مسلمانان

تعبیر کنید و نه آنرا به حساب جنگ طلبی و خشونت ورزی مسلمانان بگذارید. مسلمانان برای تحفظ بغض و کینه خود از اسرائیل نه یک دلیل بلکه صدها دلیل را در پیشینه تاریخی خود انداخته دارند.

جناب آقای پاول

اسلام به ذات خود نه دین جنگ طلبی است و نه داعیه صلح طلبی دارد!

اینجانب پیش از این نیز در فردای عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر خطاب به سیاستگذاران دنیای غرب تصریح داشته بودم که «اگر آقایان بوش و بلر تنها یکبار به قرآن مسلمانان رجوع کرده و آیات آنرا تنها روخوانی می کردند متوجه می شدند که اسلام دینی صلح طلب نیست! همانطور که دینی جنگ طلب نیز نیست. آنچه که جوهر اسلام را از دیگر ادیان متمایز کرده ذات حق طلب و عدالت خواهانه آنست که در کتاب مرجع ایشان با صریح ترین آیات بر آن تاکید شده است. جوهر حق طلب و عدالت خواه اسلام به مسلمانان این امکان و ظرفیت را داده و می دهد تا چنانچه خود تشخیص دهند برای تحقق حق و عدالت عمیق ترین صلح نامه ها را با دشمنانشان منعقد نمایند همانطور که پیغمبر اسلام در حدیثیه صلح نامه تاریخی خود با دشمنان جامعه نوپای اسلامی را امضاء کرد و به همان میزان نیز از آن درجه استعداد و انگیزه برخوردارند تا برای تحقق حق و عدالت تن به جنگ با دشمنانشان بدهند، همانطور که بعد از نقض صلح نامه حدیثیه توسط جبهه کفار، پیغمبر اسلام دست به لشکر کشی گسترده به سوی دشمنان جامعه اسلامی زد»

جناب آقای پاول

سهم و تعهد ایرانیان از عدالت خواهی مستتر در ذات اسلام بواسطه برخورداری از فرهنگ تشیع و اسطوره ظلم ستیزی همچون «حسین بن علی» سومین رهبر مذهبی ایشان بمراتب بیشتر و پیشتر از دیگر فرق اسلامی است. برخورداری از چنین استحکامات دین ورزانه ای است که ایرانیان را در صف اول مبارزه اعتقادی با ستمگری جمعی مدعی پیروی از آموزه های موسی کلیم الله در سرزمین های اشغالی فلسطین کرده است.

اما نه جنابعالی و نه هیچ شخص و سازمان و تشکل دیگری هرگز حق آنرا ندارد که این پیشآهنگی اعتقادی را به معنای یهود ستیزی ایرانیان تعبیر کند. جامعه مسلمان ایران افتخار آنرا دارد که سالها با صلح و دوستی و مؤانست، همزیتی مسالمت آمیزی با هم وطنان یهودی خود داشته است.

همچنانکه همان فرهنگ و استحکامات دین ورزانه ایرانی اجازه آنرا به هیچکس نمی دهد تا تعین و تعریف کننده نوع و میزان بغض و نفرت ایشان از ظالمین و ستمگران باشد.

جناب آقای پاول

جنابعالی در بخش دیگری از پیامتان خطاب به ایرانیان و مطابق معمول با استناد به راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، تلاش دولت ایران در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی را منشاء اختلاف دولت متبوع خود با جمهوری اسلامی ایران ذکر کرده اید.

اکنون جامعه ایرانی حق این پرسش را برای خود محفوظ می دارد که در منطق دولتمردان کاخ سفید برخورداری از سلاح های کشتار جمعی بالذات مذموم است یا بالعرض؟!

صادقانه به این پرسش پاسخ دهید که چنانچه رژیم پهلوی که علی الظاهر الگوهای رفتاریش هم پوشی کاملی با آموزه ها و جهتگیریهای سیاسی ایالات متحده را داشت در سال 79 ساقط نمی شد، اکنون جنابعالی و دیگر دولتمردان کاخ سفید اینچنین دغدغه برخورداری ایران از سلاح های کشتار جمعی را داشتید؟!

طبعاً با توجه به برخورداری تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان از سلاح های اتمی از جمله دولت متبوع جنابعالی و دو کشور متحدان اسرائیل و پاکستان نمی توانید مدعی مذمت ذاتی برخورداری از سلاح اتمی باشید!

لذا مشکل اصلی جنابعالی و دیگر دولتمردان ایالات متحده را باید در نوع جهتگیری سیاسی نا همسوی جمهوری اسلامی ایران با منویات کاخ سفید در منطقه جستجو کرد.

راستی جمهوری اسلامی در چه صورتی می تواند از حق برخورداری از سلاح اتمی بهره مند شود؟ هر چند دولتمردان جمهوری اسلامی همواره در مواجهه با اتهام تلاش جهت برخورداری از سلاح اتمی خجولانه تنها مدعی استفاده صرف از انرژی اتمی برای کشور خود شده اند اما اینجانب در مقام یک شهروند این حق را برای کشور خود قائل بوده و هستم تا فارغ از اعمال فشارهای خارجی اهتمام خود را صرف برخورداری از سلاح اتمی همانند دیگر کشورهای جهان بعنوان سلاحی تدافعی و بازدارنده مصروف دارد.

جناب آقای پاول

لشگرکشی اخیر شما به منطقه خاورمیانه و تهاجم نظامی تان به عراق که با دهان کجی و بی اعتنائی گستاخانه ای به سازمان ملل متحد صورت گرفت کند ذهن ترین انسانها را به این نتیجه اجتناب ناپذیر می رساند که تنها راه ایمن ماندن در مقابل هژمونی میلیتاریستی ارتش ایالات متحده آمریکا، دافعه نظامی داشتن در حد و اندازه های معقول جهت منصرف کردن دولت متبوع جنابعالی از طمع ورزی نسبت به منابع موجود در منطقه است.

امیدوارم توقع آنرا نداشته باشید ادعاهای عوامفریبانه دستگاه دیپلماسی کاخ سفید مبنی بر انگیزه دمکراسی خواهانه و انساندوستانه ارتش آمریکا در لشگرکشی به عراق مورد قبول جامعه خردورز ایرانی قرار گرفته باشد.

البته جامعه خردورز ایرانی هرگز اصرار و توقع آنرا نداشته و ندارد که دولتمردان کاخ سفید امیال و منویات هژمونیک خود در تهاجم به عراق بمنظور تسلط بر گلوگاه انرژی اروپا را صراحتاً در افکار عمومی بیان نمایند اما در همان سطح هم از ایشان توقع دارند تا اجازه داشته باشند مهملات تبلیغاتی دستگاه دیپلماسی کاخ سفید را تنها تحمل شنیداری کنند!

جناب آقای پاول

جنابعالی در پیام خود خبر داده اید که اقدام ایرانیانی که (در داخل ایران) بلافاصله با روشن کردن شمع بیاد قربانیان حملات تروریستی به ایالات متحده در 11 سپتامبر 2001 مراسم همدردی بجای آوردند دولتمردان کاخ سفید را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است.

عالیجناب اینجانب اطمینان دارم که ابراز هم دردی ایرانیان نسبت به قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتامبر از جانب مردم و دولت آمریکا به حساب انساندوستی و غنا و تمول فرهنگ و تمدن ایرانی گذاشته خواهد شد اما اجازه بدهید در همین جا نیز پاسخ به این سوال را از جنابعالی مطالبه کنم که چرا در حافظه تاریخی مردم ایران چنین رویکرد انساندوستانه ای از کشور شما وجود ندارد؟

مردم ایران آنروزی که دولت مشروع و محبوبشان توسط کودتای عوامل CIA در 28 مرداد 32 ساقط شد، کمترین نشانی از تاثر و استمالت نزد دولت و ملت آمریکا ندیدند!

مردم ایران هرگز بیاد نمی آورند، آنروزی که پیکرهم وطنانشان بر فراز آبهای خلیج فارس با شلیک موشک ناو هواپیمابر وینسنس تکه تکه شد، شمعی در شهرهای آمریکا به نشانه ابراز هم دردی روشن شده باشد!

جناب آقای پاول

متاسفانه ادعای جنابعالی که به نقل از پرزیدنت بوش اظهار داشته اید « دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» مبین قلت بضاعت سواد تاریخی رئیس جمهور ایالات متحده لااقل در حوزه مناسبات با ایران است.

صرف نظر از یک مقطع کوتاه که مردم ایران شاهد خدمات صادقانه دکتر میلسپو و مورگان شوستر در ایرانیه قبل از جنگ جهانی دوم بودند ، متاسفانه در تمامی سالهای بعد از جنگ جهانی دوم که دنیا شاهد کنار گذاشتن دکترین مونروئه و ورود آمریکا به عرصه بین الملل شد لااقل حافظه تاریخی مردم ایران کمترین نشانه ای از سنوات دوستی و یا حسن نیت آمریکا در قبال مسائل مبتلابه ایران در خود نگجانده.

اگر تحمیل و حمایت همه جانبه از حکومت دیکتاتوری پهلوی به بهانه مقابله با خطر سرخ و چشم پوشی نسبت به تمامی رفتارهای غیر دمکراتیک و مستبدانه این حکومت را رئیس جمهور ایالات متحده دوستی بین مردم آمریکا و ایران تلقی می کنند، باید مبانی دوستی در فرهنگ آمریکائی را مورد مناقشه و بازبینی قرار داد!

راستی! اخذ حق توحش از حکومت پهلوی بواسطه حضور مستشاران و کارگزاران کشور جنابعالی در ایران را ایرانیان باید بمعنای دوستی بین دو کشور تلقی نمایند؟! اظهارات گاسپار واینبرگر مبنی بر وحشی خواندن ملت ایران و لزوم ریشه کن کردن این ملت را چه عنوانی باید نهاد؟

جناب آقای پاول

در اینجا اجازه می خواهم رازی نه چندان پنهان را به جنابعالی بگویم!

بدنبال لشگرکشی ارتش ایالات متحده به عراق و ساقط کردن حکومت صدام حسین، اکثر جامعه جوان و بخش هائی از دیگر اقشار جامعه ایرانی در خفا و آشکار این نوید را به خود می دهند که بعد از عراق نوبت

ایران است! و آمریکائیها بزودی دروازه های تهران را با سرکوب حکومت جمهوری اسلامی فتح نموده و دروازه های بهشت را به روی ایشان می گشایند!

بر آنان نباید خرده گرفت! جوانند و سطح فهم و تحلیل سیاسی شان به مقتضای سن شان نحیف است.

اما اجازه بدهید ریشه های رواج چنین رویکردی را نیز مطمح نظر قرار دهیم.

عالیجناب

متاسفانه اخیراً در کشور اینجانب پدیده زشتی تحت عنوان دختران خیابانی بوجود آمده که محصول مناسبات غلط حاکم در خانواده و عدم توجه و یا عدم امکان توجه به مطالبات جامعه نسوان جوان ایرانی است. فقر مالی در کنار فقر فرهنگی موجود در بخش هایی از خانواده های ایرانی عملاً عرصه را بر دختران موجود در چنین خانواده های آنچنان تنگ کرده که ایشان فرار از کانون خانواده را در زندگی نو و تجربه نشده ای در خیابانها ترجیح می دهند!

فراری که هر چند به نیت کسب زندگی بهتر و آزادتر صورت می گیرد اما متاسفانه فرجام آن نهایتاً به فاحشه خانه ختم شده و می شود!

بر همین سیاق مایلم گرایش اخیر برخی از جوانان و اقشار جامعه ایران را که مشتاقانه و در آرزوی کسب دنیائی بهتر حضور نیروهای نظامی ارتش ایالات متحده آمریکا را لحظه شماری می کنند! مورد توجه قرار دهم.

متاسفانه جزم اندیشی و انحصارطلبی و بی کفایتی بخش هایی مسلط از حاکمیت ایران نسبت به مطالبات مدنی و شهروندی جامعه ایران و ندادن فرصت به آن بخش از جناح های اصلاح طلب بمنظور تمشیت مطالبات مشروع جامعه در کنار ضعف بنیه مالی حکومت که سیاستهای انقباضی دولت متبوع جنابعالی علیه ایران سهم عمده ای در ایجاد چنین مضیقه های اقتصادی را به عهده دارد، اقشار فوق الذکر را به چنین اشتیاق وهم آلودی کشانده!

جناب آقای پاول

ایرانیان مردمی میهمان نوازند، اما میهمان نوازانی خوش استقبال و بد بدرقه!

تجربه تاریخی تحمیل کننده این سنت در فرهنگ ایرانی شده. چرا که در طول تاریخ خود علی رغم میهمان نوازی خوش استقبالیان، ایشان عموماً خود را مواجه با میهمانی یافتنی اند که بدیهی ترین آداب میهمان بودن را رعایت نکرده اند.

ایالات متحده آمریکا یکبار در دوران دکتر محمد مصدق این فرصت تاریخی را پیدا کرد تا با تکیه بر حُسن استقبال مردم ایران حُسن نیت خود را با رعایت حق و آداب میهمانی به ایرانیان اثبات نماید.

متأسفانه واشنگتن نشان داد با عدم شناخت فرهنگ ایرانی نمی تواند میهمان محترمی برای ایرانیان باشند.

امیدوارم بار دیگر مرتکب اشتباه نشده و با تکیه بر شوق زدگی بخشهایی از جامعه جوان ایران برای آغوش گشائی و استقبال از حضورتان در ایران پرونده اختلافات ایران و آمریکا ر قشورتر از آنچه اکنون هست، نکنید.

جناب آقای پاول

جميع دولت های ایالات متحده آمریکا طی 24 سالی که از عمر جمهوری اسلامی ایران می گذرد بلاگردان اشتباه استراتژیک دولت وقت واشنگتن در دوران زمامداری دکتر مصدق شده اند.

طبعاً چنانچه در آن ایام دولت وقت آمریکا خویشتن دارانه تحت اغوای لندن و فوبیای سرخ قرار نگرفته بود و با آغوش گشائی از دولت ملی و محبوب مصدق به حمایت از روند دمکراتیزاسیون موجود در کشور می پرداخت، 25 سال بعد از آن تاریخ خود را مواجه با انقلابی بشدت ضد آمریکائی نمی دید که ظفرمندانۀ موفق شده است با اپیدمی کردن فرهنگ ضدیت با آمریکا دوران طلائی حضور مسلط و بدون دغدغه ایالات متحده در خاورمیانه را مبدل به کابوس وحشت از تروریسم نماید.

جناب آقای پاول

در انتها به جنابعالی توصیه می کنم طی ملاقاتهای خود با رئیس جمهور آمریکا بار دیگر پرسش حاذقانه ایشان در کنگره را یادآور شوید (چرا در خاور میانه از ما نفرت دارند؟) اما بجای ایشان بکوشید خود شخصاً پاسخ به این پرسش را با منطقی واقعبینانه بیان نمائید.

با تقدیم احترام

داریوش سجادی

سیاست روز

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/04/VID-20200430-WA0002.mp4>

#خبرسیاسی

#شانناژسیاسی